خصوصی سازی، راه حل مشکل بیمه درمانی

همزمان با افزایش تقاضا در زمینهء ارائه خدمات‏ درمانی بهتر،فشار برروی بخش خصوصی و دولتی‏ نیز افزایش یافته است و نیاز به داشتن پوشش بیمه‏ای‏ در زمینهء درمان در میان کارمندان شرکت‏ها بیشتر حس می‏شود.در این زمینه و برای حل این مشکل، کاترین بویس،هماهنگ کنندهء ارتباطات مرکز درمانی‏ Manor House ،خصوصی سازی بیمه را یکی از راه‏حل‏ها می‏داند.در این مقاله وی به این نتیجه‏ رسیده است که وام‏های اضطراری آن‏گونه که در ظاهر به نظر می‏آیند روش مناسبی برای حل این مشکل‏ نیستند.این مقاله درصدد است که راهی برای حل این‏ مسأله بیابد که آیا وام‏های اختصاص یافته به‏ شرکت‏ها،چه از نظر هزینه و چه از نظر کارایی،قدرت‏ برابری با روش‏های شنتی بیمه را دارند یا خیر؟ افزایش روزافزون تعداد افرادی که در صف‏های‏ طویل معالجهء خدمات درمانی ملی به انتظار ایستاده‏اند سبب نگرانی مسؤولان این امر شده است. راه‏حل‏های زیادی برای حل این مشکل به ظاهر حل‏ ناشدنی ارائه شده است ولی بخش خصوصی بهترین‏ راه‏حل‏های به نظر می‏رسد.امروزه بازار بیمه چنان از روش‏های مختلف درمانی اشباع شده است که تنها باعث ایجاد سردرگمی در مصرف کننده می‏شود. آخرین نظریه‏ای که تنها باعث افزایش این سردرگمی‏ می‏شود مسأله وجود وام‏های اضطراری است.

روش ارائه این وام‏ها به این صورت است که در ابتدا به اشخاص یا شرکت‏هایی وام داده می‏شود که از آن‏ها به منزلهء سرمایه‏ای در زمان بروز مشکلی در زمینهء درمان و هزینه‏های آن استفاده کنند؛یا این‏که‏ گزینه‏ای باشد برای پرداخت حق بیمهء سالیانه.در نگاه‏ اول ممکن است این گزینهء مناسبی برای پرداخت حق‏ بیمهء ماه به ماه به شمار آید،به ویژه زمانی که شرکت‏ها کازمندان خود را تنها از جهت ایجاد تسهیلات و مزایا بیمه کرده‏اند و منبع مناسبی برای پرداخت حق بیمه‏ ندارند و نیز هیچ‏گونه خسارتی نیز از شرکت بیمه‏ دریافت نکرده‏اند تا هزینه‏های ایجاد شده را جبران‏ کند.اما این‏گونه وام‏ها تنها زمانی می‏توانند کمک‏ کننده باشند که شرکت‏ها بتوانند آینده را به خوبی‏ پیش‏بینی کنند؛هنگامی که ما از میزان دقیق هزینه‏های‏ احتمالی در سال اطلاعی نداریم این برنامه چندان‏ موفق جلوه نمی‏کند.

نکتهء درخور توجه در این زمینه آن است که‏ نمی‏توان مقدار هزینه‏ای را که از بیماری کارمندان و دور ماند آن‏ها از کار و در بعضی مواقع نیاز آن‏ها به‏ درمان‏های پرخرج و پرهزینه ایجاد می‏شود پیش‏بینی‏ کرد.یکی از مسائل مهم در این زمینه اتلاف زمان در دورهء نقاهت است.البته این زمان در مورد تعداد کمی‏ از کارمندان چندان مهم نیست اما اگر در سال تعداد زیادی از این موارد وجود داشته باشد آن‏گاه تعداد ساعت‏های از بین رفته ضرر بسیاری به شرکت وارد خواهد کرد.از این روست که جنبهء مالی این وام‏ها باعث آسودگی خاطر شرکت‏ها می‏شود.در کنار این‏ مسائل،بسیاری این وام‏ها را برای تحت پوشش دادن‏ افرادی که به علل مختلف تحت پوشش بیمهء خدمات‏ درمانی به صورت گروهی قرار نگرفته‏اند سفید می‏دانند.

مسأله دیگری که باعث ایجاد مشکل در زمینهء تخمین دقیق خسارت می‏شود،وجود هزینه‏های‏ اداری برای کارمندانی است که نیاز به درمان دارند و نیز نامشخص بودن مقدار زمان مورد نیاز برای درمان‏ است همهء این موارد باعث می‏شود که پاسخ دادن به‏ این پرسش‏ها که آیا می‏توان بودجه‏ای به‏طور متوسط برای هر بیماری معین کرد و یا این‏که آیا می‏توان‏ بودجهء جداگانه‏ای برای این‏گونه مواقع پیش‏بینی کرد که ضرری به بودجهء اصلی شرکت وارد نکند امری‏ بسیار مشل خواهد بود.در واقع بسیاری از شرکت‏ها قادر به بازپرداخت وام‏ها،آن هم با بهره،نیستند.

گذشته از همهء این‏ها مسأله اخلاقی نیزد راین زمینه به‏ وجود می‏آید.برای مثال،در میان رده‏های مختلف‏ اداری چه کسی و به چه میزانی باید تحت این وام قرار گیرد.آیا اگر کارمندان جزء اداره به بیماری حادی دچار شود همان مقدار حق استفاده از وام را دارد که مدیر عامل شرکت؟اگر پولی که مخصوص وام‏های‏ اضطراری است از صندوق شرکت هزینه شود آیا اختصاص قسمت اعظم آن برای بیماری تنها یک نفر صحیح است؟از نظر کارمندان،سودی که از بیمهء خدمات درمانی به دست می‏آید بسیار بیشتر از برنامهء وام اضطراری است.

پوشش بیمه‏ای در مورد خدمات در حقیقت‏ آسودگی خیال برای آن‏هاست.کارمندان از این‏که‏ برای درمان آن‏ها از سود شرکت استفاده می‏شود و در حقیقت نیروی کار آن‏ها برای شرکت ارزش خاصی‏ دارد احساس مفید بودن می‏کنند که ارزش این‏ احساس را نمی‏توان در ترازنامه ثبت کرد.

درکنار همهء این مسائل،بسیاری از کارمندان باید درمورد جزئیات پوششی که به آن‏ها داده می‏شود اطلاع داشته باشند.برای مثال:آیا در صورت بیماری‏ پرهزینه‏ای،این پوشش کارآمد است یا خیر؟آیا برای‏ وابستگان و خانوادهء آن‏ها تسهیلاتی در نظر گرفته‏ شده است یا خیر؟این‏ها همه مواردی هستند که باید به‏ هنگام اختصاص دادن وام اضطراری مورد توجه قرار گیرند.تمامی پرسش‏هایی که در خصوص این وام‏ها مطرح می‏شوند همگی از نظر شرکت‏ها و کارمندان‏ سیار مهمند و باید برای آن‏ها پاسخ‏های مناسبی پیدا کرد.

در پایان با در نظر گرفتن تمام جوانب،شاید این‏ گونه وام‏ها از نظر فردی کارامد باشند ولی از نظر جمعی راه‏حل مناسبی به شمار نمی‏آیند.

منبع:

Insurance Day Sep 2,1998.p11.

نظام مالی جهان را تثبیت کنید

نرخ‏های شناور ارز دیگر پاسخگوی اقتصاد به‏ سرعت در حال تغییر امروزی نیست.

با گذشت کمتر از یک سال از بروز بحران ارزی‏ آسیا،این بحران به روسیه و امریکای لاتین نیز سرایت کرده است و بیم آن می‏رود اقتصاد جهانی را به‏ یک رکود بکشاند.این مسأله شکنندگی نظام مالی‏ جهان و خطرات جهانی سازی را برای اقتصادهای‏ کوچک و باز آشکار کرده است.اقتصادهای بحران زدهء آسیا،به علت پول‏های کاملا بی‏ارزش شدهء آنها، ناتوانی بسیاری از بانک‏ها و شرکت‏هایشان در پرداخت دیون خود،نرخ بالای بیکاری و ناآرامی حاد اجتماعی-سیاسی،دچار رکود شدید شده است. مجازاتی که تایلند،اندونزی و کره‏جنوبی متحمل‏ می‏شوند نسبت به جرمی که مرتکب شده‏اند شدید و بی‏تناسب است.جرم آن‏ها این بود که شرکت‏ها و بانک‏های خصوصی این کشورها از بانک‏های مشتاق‏ خارجی بیش از حد استقراض کرده بودند،80 میلیارد دلار(43 درصد تولید ناخالص داخلی تایلند در سال‏ 1996)،85 میلیارد دلار(36 درصد تولید ناخالص‏ داخلی اندونزی در سال 1996)161 میلیارد دلار (35 درصد تولید ناخالص داخلی کره‏جنوبی در سال‏ 1996).

نظام کنونی نرخ‏های شناور ارز توسط ایالات متحده و اروپا برپا شده چرا که وقتی نظام‏ نرخ‏های ثابت ارز برتون وودز در سال 1973 شکست‏ خورد،نتوانستند راه‏حل بهتری بیابند از آن زمان‏ بازارهای مالی به سرعت توسعه یافته‏اند و پیشرفت‏های چشم‏گیر در تکنولوژی اطلاعات محرک‏ آن‏هاست.بانکداران،مدیران سرمایه و متصدیان‏ صندوق سرمایه گذاری تأمین،مجموعه خیره کننده‏ای‏ از محصولات مالی پیچیده را تولید کرده‏اند.